

روان‌شناسی بالینی و تربیتی کودکان

رویکردی بوم‌شناختی - تعاملی در

درک مشکلات و مداخلات کودکان

فهرست

پیشگفتار ۷

بخش اول: مبانی

- فصل ۱: تحول کودک و نوجوان: گوناگونی‌های بهنجار و نامتعارف ۱۱
- فصل ۲: مدل‌های نظری ۳۶
- فصل ۳: نقاط عطف تحولی: اوایل و اواسط کودکی ۷۳
- فصل ۴: نقاط عطف تحولی: نوجوانی ۱۱۰
- فصل ۵: تحول از دیدگاه بالینی و تربیتی ۱۳۸

بخش دوم: مشکلات و اختلالات کودک و نوجوان

- فصل ۶: مشکلات و اختلالات سازگاری در کودکی و نوجوانی ۱۷۵
- فصل ۷: مشکلات زود آغاز: پیش‌دبستانی و دبستان ۲۰۹
- فصل ۸: مشکلات یادگیری و توجه ۲۴۸
- فصل ۹: مشکلات برونی‌سازی و اختلالات رفتار تخریب‌گرانه ۲۸۴
- فصل ۱۰: مشکلات درونی‌سازی و اختلالات اضطرابی، خلقی و جسمانی ۳۱۴
- فصل ۱۱: مشکلات دیرآغاز: اختلالات خوردن و مصرف/سوءمصرف ماده ۳۵۹
- فصل ۱۲: بدرفتاری با کودک و رفتارهای خودجرحی ۳۹۴
- فصل ۱۳: ضربه روانی و اختلالات ضربه روانی ۴۲۹
- واژه‌نامه انگلیسی به فارسی ۴۶۳
- واژه‌نامه فارسی به انگلیسی ۴۶۸

پیشگفتار

سلامت جامعه‌ فردای ما، در گروهی سلامتی کودکان و نوجوانان امروز ماست، چرا که آنان تا چند صباحی دیگر مسئولیت اداره کشور را در سطوح مختلف بر عهده خواهند گرفت و مسیر حرکت جامعه را مشخص خواهند ساخت. شاید به همین دلیل باشد که در برخی از کشورها، یکی از ملاک‌های مهم ارزیابی سلامت کشور، کیفیت سلامتی کودکان است. مقوله سلامت جسمی کودکان دارای مسئولین، متولیان و دانش پژوهان خاص خود است و موضوع بحث ما نیست؛ اما از دید مترجمین این کتاب، رسیدگی به سلامت روانی کودکان در وضعیتی نیست که مناسب این گروه عظیم جمعیتی باشد.

متأسفانه در کشور ما، رشته روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان با مشکلات عدیده‌ای در خدمت‌رسانی به جمعیت موردنظر خود روبه‌رو است: گذشته از گران بودن هزینه‌های روان‌شناختی که موجب محدود شدن ارائه خدمات سلامت روان به اقشار درآمدی خاصی می‌شود، مسائل دیگری نیز وجود دارند که پرداختن به آنها ضروری به نظر می‌رسد؛ از جمله: ظرفیت اندک پذیرش دانشجو در این رشته و فقدان سنجش‌های دقیق و معتبر برای ارزیابی دانش و توانایی عملی متخصصان این حوزه. مشکل دیگری که در این زمینه وجود دارد، فقدان کتب مناسب و متعدد برای پرورش متخصصان روان‌شناسی بالینی کودک است؛ زیرا برخلاف حیطه روان‌شناسی بالینی بزرگسالان، توجه به مسائل تحولی کودکان در بافت بروز مشکل اهمیت بسیار بالایی در تشخیص و درمان کودکان دارد و لذا بدون آشنایی با بدنه عظیم روان‌شناسی تحولی و آسیب‌شناسی روانی کودک، شانس بالایی برای کمک به کودکان مبتلا به مشکلات روان‌شناختی وجود نخواهد داشت. همچنین، از آنجا که کودکان بخش قابل توجهی از عمر خود را در مدرسه می‌گذرانند، اطلاع از دانش روان‌شناسی تربیتی در کنار روان‌شناسی بالینی، نیروی مضاعفی را به روان‌شناسان کودک در جهت خدمت‌رسانی خواهد بخشید.

کتاب حاضر در راستای رسیدن به این هدف ترجمه شده است. این کتاب - در اقدامی احتمالاً بی‌سابقه - روان‌شناسی بالینی و تربیتی را به هم آمیخته و رویکرد جامعی را پدید آورده است تا به کمک آن بتوان مشکلات کودکان را با نگاهی مبتنی بر کل‌نگری شناسایی و سپس درمان کرد. در این کتاب نقاط عطف تحولی هر دوره سنی معرفی شده و انحرافات تحولی کودک از هنجارها به‌دقت معرفی و مورد بحث قرار گرفته و در نهایت، راهکارهای منسجم و مناسبی برای درمان آنها پیشنهاد شده است. امید می‌رود مطالعه این کتاب موجب افزایش دانش و شناخت روان‌درمانگران عزیز کشورمان از مطالب مهمی شود که در کار با کودکان و نوجوانان موردنیاز است. در پایان از جمیع

خوانندگان گرانقدر کتاب حاضر درخواست می‌شود که نظرات پرازش خود در مورد کم و کیف ترجمه را از مترجمین دریغ ندارند و بدین وسیله در بهبود کیفیت ترجمه این اثر، کمک شایانی به مترجمین ارزانی داشته و موجب ارائه نسخه ترجمه شده بهتری در چاپ‌های بعدی شوند.

در اینجا از زحمات جناب آقای دکتر ارجمند و مجموعه ستودنی انتشارات ارجمند سپاسگزاری به عمل می‌آید، زیرا ترجمه حاضر حاصل اعتماد، حمایت و حرفه‌ای‌گری کم‌نظیر انتشارات ارجمند است که در شرایط فعلی حکم کیمیا را دارد.

مهرداد پورشه‌بازی

دانشجوی دکتری روان‌شناسی بالینی

بهار بنی‌کریمی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی

بخش اول

مبانی

تحول کودک و نوجوان: گوناگونی‌های بهنجار و نامتعارف

مقدمه

مطالعه موردی پت: مقدمه

پت مشکلاتی را در مدرسه تجربه می‌کند. ظاهراً او هرگز تکالیف خود را به‌موقع تمام نمی‌کند و شروع به انجام تکالیف برای او بسیار زمان‌بر است. او دیروز پیش از آنکه مداد را روی کاغذ بگذارد و نوشتن تکالیف خود را شروع کند، ۱۵ دقیقه بی‌حرکت نشسته بود و چشمانش به نقطه نامعلومی خیره شده بود.

وقتی پت وارد کلاس می‌شود، بلافاصله می‌توان گفت که امروز، روز خوبی خواهد شد یا روز بدی می‌شود. یک روز پت بدخلق و تحریک‌پذیر بوده و تعامل با او بسیار دشوار است؛ یک روز دیگر ممکن است شاد و هیجان‌زده باشد؛ اما باین‌حال، کنترل پت در چنین مواقعی به‌آسانی غیرممکن می‌شود.

پت به دلیل نوسانات خلقی، در بین همسالانش محبوب نیست و در مدرسه هیچ دوستی ندارد؛ در نتیجه او اغلب گوشه‌ای می‌ایستد و دیگران را که در حال فعالیت‌های اجتماعی و تفریح هستند تماشا می‌کند.

خوشبختانه، پت عضوی از یک تیم فوتبال است و این باعث می‌شود که در روزهای آخر هفته فرصتی برای پرداختن به فعالیتی با همسالان داشته باشد.

رفتار بهنجار چیست و چه زمانی انحراف از بهنجاری چنان وخامتی می‌یابد که مستحق دریافت برچسب رفتار «نابهنجار» شود؟ آیا ممکن است یک رفتار را در زمینه خاصی بهنجار و در زمینه دیگری نابهنجار یا نامتعارف^۱ در نظر گرفت؟ آیا ممکن است رفتاری را در یک سن «بهنجار» و در سن دیگری «نابهنجار» دانست؟ این پرسش‌ها بخشی از مواردی هستند که در طول این کتاب و در مطالعه موردی موجود در این فصل بررسی خواهند شد.

یک مورد کاربردی

درحالی‌که مطالعه موردی گوشه صفحه را می‌خوانید از خود بپرسید: «مشکل پت چقدر وخیم است؟» پت مشکلاتی را در چندین زمینه مختلف از جمله اجتماعی، هیجانی و تربیتی تجربه می‌کند. اگر شما یک روان‌شناس بالینی یا تربیتی / آموزشی‌گامی بودید و مادر یا

1. Atypical

جدول ۱-۱ گام‌های راهنما در مطالعه تحول کودک

۱. تحول در قالب الگوهای قابل پیش‌بینی آشکار می‌شود.
۲. الگوهای رفتاری و مهارت‌ها (افکار، هیجانات و مهارت‌های حرکتی) در امتداد مهارت‌های اکتسابی قبلی بنا شده و در طول کودکی و نوجوانی پیچیده‌تر و کامل‌تر می‌شوند.
۳. اگرچه کودکان از مراحل یا ترتیب تحولی یکسانی گذر می‌کنند، اما ممکن است در نرخ تسلط در نقاط عطف^۱ تحولی مختلف که ناشی از تفاوت‌های فردی است با یکدیگر فرق داشته باشند.
۴. برخی از عوامل ممکن است بر میزان اکتساب مهارت در کودکان اثرگذار باشد و آن را بهتر یا بدتر کنند از جمله: **متغیرهای مربوط به کودک** مانند وراثت، مزاج، توانایی شناختی، بلوغ حرکتی، عاطفی و اجتماعی و **متغیرهای محیطی** مانند فرزندپروری، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، همسالان، کیفیت مدرسه رفتن، فرهنگ و نیز دسترسی‌پذیری و دستیابی به منابع اجتماعی. در نتیجه، تحول پیامدی از **تعامل** جاری بین کودک و محیط اوست.
۵. در **مدل تعاملی** (سامروف و چندلر، ۱۹۷۵)، پیامدهای پدید آمده در کودک و والد حاصل رابطه متعامل بین عوامل مربوط به کودک و محیط در نظر گرفته می‌شوند. این رابطه بر سطوح بوم‌شناختی مختلف (برونفن‌برنر، ۱۹۷۹) تأثیر می‌گذارند، واکنش نشان می‌دهند و یا با آن‌ها سازگار می‌شوند. کاربرد این مدل که چارچوب جامعی برای درک تحول کودک در قلمروهای زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی است به شکل‌گیری دیدگاه پیچیده و فراگیری انجامیده است: **مدل بوم‌شناختی-تعاملی** (سایکتی و لینچ، ۱۹۹۳).

معلم پت از شما می‌پرسید که به نظر شما آیا وی به مداخله نیاز دارد، شما چگونه شدت مشکلات پت را تعیین می‌کردید و نیازمند دانستن چه اطلاعات مهمی بودید؟ **اولین سؤالی که باید پرسید چیست؟** ممکن است سؤال اول این باشد: پت چند سال دارد؟ زیرا کودکان در حال تحول و تغییر هستند و لازم است بدانید که با توجه به سطح سنی پت، باید چه انتظاراتی از او داشته باشید. اگر پت دانش‌آموز پیش‌دبستانی باشد، احتمالاً نوسانات خلقی او ناشی از ناپختگی وی در کنترل هیجانی و تنظیم هیجان است که فرایند پایدار شدن خود را در طول همین دوره سنی طی خواهد کرد. با این حال، اگر پت هشت یا ده‌ساله باشد، از او انتظار بلوغ بیشتری در کنترل هیجانی و خودتنظیمی خواهیم داشت. به علاوه سن کودک ابزارهای سنجش مورد کاربرد و نوع اطلاعات پیش از سنجشی را که ممکن است دانستن آن‌ها مفید باشد تعیین می‌کند. در ابتدا، بدون توجه به کانون نگرانی، درک مشکل نیازمند شناخت بنیادین ماهیت و سیر تحول است.

ماهیت و سیر تحول

در این سال‌های اخیر که برای روان‌شناسی تحولی سال‌های پر بار و حائز اهمیت بوده است، مطالعه تحول انسان بر «تغییرات قابل پیش‌بینی مرتبط با سن که منظم، متراکم و هادفمند هستند» معطوف شده

است (دی هارت، اسروف و کوپر، ۲۰۰۴، ص. ۴). آگاهی از تحول بهنجار، پیش‌نیاز درک میزان و ماهیت هرگونه انحراف از هنجارهایی است که در کارکرد اجتماعی، هیجانی و رفتاری پدید می‌آید. در تحول بهنجار، مهارت‌ها و کفایت‌ها در امتداد مبانی قبلی بناشده و در ادامه، پالایش و پیچیده‌تر می‌شوند. از طریق همین چارچوب‌های قابل پیش‌بینی است که انحراف در اکتساب نقاط عطف تحولی (جسمی، شناختی، رفتاری، هیجانی و اجتماعی) سنجیده می‌شوند و از انتظارات تحولی بهنجار به‌عنوان راهنما استفاده می‌شود.

اصول راهنمای مختلفی برای مطالعه تحول بهنجار وجود دارند که حاوی اشارات مهمی در درک تحول از دیدگاه بالینی و تربیتی هستند. برخی از این ویژگی‌های برجسته در جدول ۱-۱ درج شده‌اند.

فرایندهای تعاملی

اصطلاح «تعاملی» برای اشاره به «ارتباط متقابل نظام‌های پویای زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی» به کار می‌رود. این اصطلاح، چارچوب لازم برای «تعاملات جاری و متعدد عوامل محیطی، ویژگی‌های مراقبان و کودک را در قالب یک مشارکت پویا و متقابل» که احتمال بهزیستی یا آسیب‌شناسی روانی را افزایش یا کاهش می‌دهند فراهم می‌آورد (سایکتی و توت، ۱۹۹۸، ص. ۲۲۶).

ماهیت تغییرات تحولی

به لحاظ تاریخی، تغییرات تحولی در یکی از دو مقوله سیر ناپیوسته یا پیوسته مفهوم‌پردازی شده و نیروی اصلی مشارکت‌کننده در تحول به تأثیرات طبیعت (وراثت) و یا تربیت (محیط) نسبت داده می‌شود. در این چارچوب، پیامدهای تحولی در قالب نقاط عطف یا معیارها به ما کمک می‌کنند تا سطوح تسلط کودک را با انتظارات تحولی پیش‌بینی شده مقایسه کنیم. بحث زیر بر نحوه مفهوم‌پردازی نظریات در مورد ماهیت تغییرات تحولی در گذر زمان نگاهی انداخته است.

تغییرات ناپیوسته در برابر پیوسته

تغییرات ناپیوسته نظریاتی که تغییرات تحولی را به‌صورت ناپیوسته فرض می‌کنند، تحول را به‌عنوان مجموعه‌ای از گام‌ها یا مراحل در نظر می‌گیرند که مستلزم تسلط بر سطوحی است که در هر مرحله، به‌طور متمایزی با یکدیگر متفاوت‌اند. تعدادی از مدل‌های نظری معتقد به این چارچوب عبارت‌اند از: مراحل تحول شناختی پیازه، نظریه مراحل تحول روانی-جنسی فروید و مراحل تحول روانی-اجتماعی اریکسون. این نظریات توجهی به زمینه‌های فرهنگی و جهانی ندارند و تغییرات را به‌صورت کیفی، جهان‌شمول، دارای ترتیب پایدار و سیر پیشرفت ثابت و منظم در نظر می‌گیرند.

تغییرات پیوسته سایر نظریه‌پردازان بر این باورند که تغییرات تحولی به شکلی ملایم و پیوسته پدید می‌آیند. برای مثال، نظریه‌پردازان پردازش اطلاعات به مطالعه مواردی از این قبیل علاقه‌مندند: مجموعه راهبردهای حافظه کودک که با افزودن راهبردها و مهارت‌های جدید به خزانه خود شروع می‌شوند؛ چگونه در طول زمان تکامل می‌یابند؟ ممکن است راهبردهای حافظه‌ای که در ادامه تحول پدید می‌آیند به‌طور کیفی با روش‌هایی که در ابتدا به کار می‌رفتند تفاوت داشته باشند و بر مبنای مهارت‌های اولیه بنا شوند. در این چارچوب، نظریه‌پردازان رفتاری تحول را به‌عنوان دسته‌ای از الگوهای رفتاری در نظر می‌گیرند که در طول یک فرایند پیوسته، مهارت‌های پیچیده در امتداد الگوهای پیشین قرار می‌گیرند.

طبیعت در برابر تربیت: تاریخچه شروع: یکی از بحث‌برانگیزترین مضامین مربوط به تحول کودک که مجادلات بی‌پایانی را به راه انداخته است، سهمی است که موضوع **طبیعت** (وراثت) در برابر **تربیت** (محیط) در جریان تحول ایفا کرده است.

طبیعت یکی از طرفین این مجادله تاریخی، مفروضه‌های چالش‌برانگیز ژان ژاک روسو، فیلسوف فرانسوی قرن هجدهم است. وی مفروضه‌هایی را که بر اهمیت محیط تأکید می‌کردند به چالش کشید. روسو چنین استدلال کرد که طبیعت تأثیر قوی‌تری بر سیر تحول دارد. به گفته روسو، اگر والدین رویکردی **آزادانه**^۱ (کودک را به حال خود واگذاشتن و دخالت نکردن) اتخاذ کنند، کودک مثل یک گل به‌طور طبیعی شکوفا خواهد شد. روسو بر این باور بود که تحول به‌صورت یک الگوی قابل پیش‌بینی (فرایند ناپیوسته) برنامه‌ریزی شده و به بهترین شکل در قالب چند مرحله (نوباوگی، کودکی، اواخر کودکی و نوجوانی) به وقوع می‌پیوندد.

تربیت در سوی دیگر این مجادله، طرفداران جان لاک، فیلسوف انگلیسی قرن هفدهم قرار دارند. جان لاک بر اهمیت «تربیت» در پرورش کودکان تأکید کرد. به گفته لاک، کودکان در ابتدا به‌صورت **لوح سفید** هستند و لذا در فرایند تربیت خود نیازمند دیگرانی هستند که این لوح سفید را با دانش‌ها پر کنند. لاک تغییر را فرایندی پیوسته می‌دانست که به‌طور فزاینده‌ای پیچیده‌تر شده و از سوی سرپرستان کودک اعمال می‌شود.

فرزند طبیعت مدتی پیش از سال ۱۸۰۰، یک کودک وحشی دوازده‌ساله در جنگل آویرون فرانسه پیدا شد که مجادله طبیعت/تربیت را به بوته آزمون گذاشت. یک دانشجوی پزشکی با نام ژان ایتار، پسر وحشی آویرون را به خانه خود برد و سال‌ها تلاش کرد تا به او -که حالا دیگر ویکتور نام داشت- تمدن بیاموزد؛ بااین حال بعد از چندین سال آموزش، ویکتور پیشرفت ناچیزی در زمینه بهبود

مهارت‌های زبانی و اجتماعی از خود نشان داد. کشف دیر هنگام و شکست‌های قابل ملاحظه ویکتور در اکتساب زبان نه تنها بر اهمیت تربیت (محیط اولیه) در تحول تأکید کرد، بلکه این حقیقت را نیز نشان داد که برای اکتساب مهارت‌های خاصی، دوره‌های بحرانی یا حساس وجود دارند.

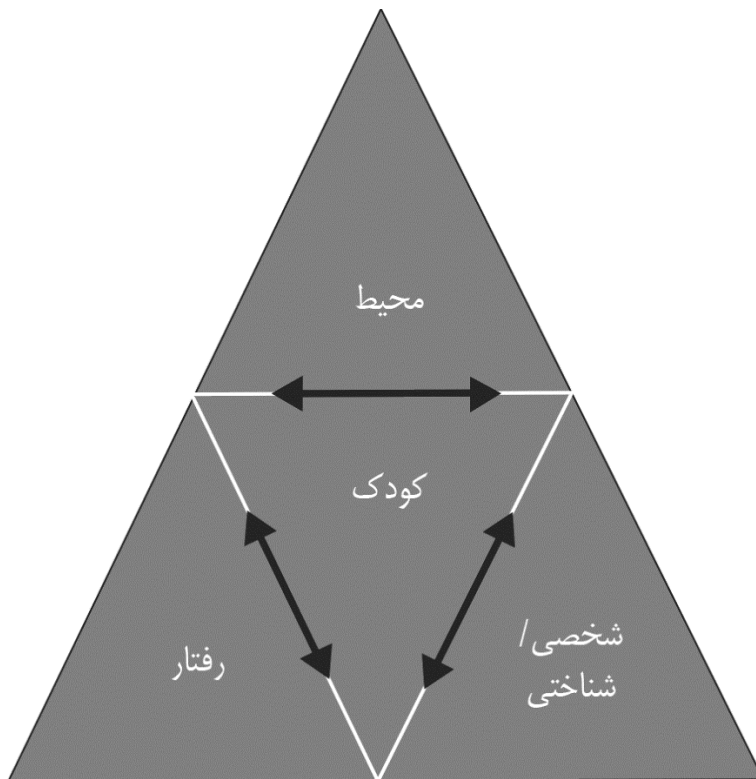
کودکان وحشی امروز

شواهد شگفت‌انگیزی که در زمینه اهمیت تربیت به دست آمد، هنوز هم در گزارش‌های گاه‌وبیگاه مربوط به کودکان «وحشی» (کودکانی که در انزوا یا به دست حیوانات بزرگ شده‌اند) که در حال زندگی در جنگل یا انزوای شدید (که ناشی از حبس یا بدرفتاری شدید است) کشف می‌شوند ادامه می‌یابد. از آنجاکه این کودکان اغلب تأخیرهای تحولی معنادار و برگشت‌ناپذیری را نشان می‌دهند، اهمیت تحریک محیطی اولیه به‌طور واضح مشخص می‌شود.

طبیعت و تربیت: روند معاصر: امروزه نظریه‌پردازان بر **تعمامل** پویای بین طبیعت و تربیت تأکید می‌کنند. برخلاف تصور اولیه مبنی بر اینکه جهت تأثیرگذاری از والد به فرزند یک‌جانبه است (والد ← فرزند)، اما نظریه‌پردازان اجتماعی - شناختی و یادگیری اجتماعی مانند آلبرت بندورا (۱۹۸۶) این موضع را گسترش دادند و بر ماهیت **دوجانبه** این فرایند تأکید کردند، یعنی والد بر کودک تأثیر می‌گذارد و همچنین فرزند نیز در پاسخ بر والد خود تأثیر می‌گذارد (والد ↔ فرزند). افزون بر این، تأثیرات در سه زمینه مهم یعنی محیط (اشخاص و رخدادهای موقعیتی)، عوامل شخصی/شناختی (مزاج، عاطفه و عوامل زیستی) و رفتار آشکار می‌شوند (شکل ۱-۱ را ببینید).

در نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، **جبرگرایی تقابلی** نشانگر تغییر متقابل و پویای شخص، رفتار و محیط است. این مدل **تقابل سه‌جانبه** فرایندی مداوم را در برمی‌گیرد که در جریان آن افراد پاسخ‌های رفتاری خود را در پاسخ به تغییرات در تقاضاهای محیطی و از طریق انطباق شناخت، عاطفه و باورهای خود با بازخوردهای دریافت‌شده سازگار می‌کنند. سناریویی که در ادامه ذکر می‌شود، مدل بندورا را نشان می‌دهد. برای نمونه، والدینی (عوامل محیطی) که تلاش می‌کنند مهارت‌های اجتماعی ضعیف (عامل شخصی/شناختی) کودک خود را با قرار دادن او در گروه‌های اجتماعی بهبود بخشند و رفتارهای اجتماعی (رفتار) را در او افزایش دهند، یا معلمی که حمایت‌های آموزشی یاریگر (محیط) را برای دانش‌آموزی که عزت‌نفس آموزشی (عامل شخصی) او پایین است فراهم می‌آورد تا رفتارهای معطوف به تکلیف و موفقیت آموزشی (رفتار) را در او به‌وجود آورد. اگرچه نظریه بندورا درک ما را از ماهیت تأثیر متقابل و سه‌جانبه بالا برد، اما نشان نداد که عوامل زیستی یا بلوغ

چگونه بر این فرایند تأثیر می‌گذارند. به‌تازگی نظریه‌پردازان بر ماهیت تعاملی این فرایند (به این معنی که تأثیرات ناشی از تغییر در جریان فرایند به‌نوبه خود تغییر می‌یابند) متمرکز شده‌اند و تلاش کرده‌اند که این مدل را با یک چارچوب تحولی تلفیق کنند (سایکتی و لینچ، ۱۹۹۳). همان‌طور که در فصل ۲ بیان خواهد شد، مغز در چند سال اولیه زندگی به‌شدت در برابر تحریک‌های محیطی آسیب‌پذیر است؛ زیرا در این مدت ارتباطات نورونی جدیدی برقرار می‌شود و گذرگاه‌های نورونی قدیمی و کمتر تحریک‌شده از بین می‌روند. تحقیقات نشان می‌دهند که کیفیت تحریک اولیه، چه از نوع روانی یا هیجانی، احتمالاً تأثیرات عمیق و اغلب دیرپایی بر تحول بعدی می‌گذارد. همچنین شواهدی وجود دارد که بیان می‌دارد ضربه‌های هیجانی اولیه موجب تغییرات



شکل ۱-۱: جبرگرایی تقابلی

بر اساس نظریه جبرگرایی تقابلی بندورا (۱۹۸۶)، زمینه‌هایی که بر رفتار کودک تأثیر می‌گذارند عبارت‌اند از: تقویت‌کننده‌های محیطی و بالقوه (افراد، موقعیت‌ها، محیط فیزیکی پیرامون)، عوامل شخصی/شناختی (مزاج، سبک پاسخ‌دهی) و رفتار (پاسخ‌هایی که در گذشته تقویت شده یا نشده باشند). لازم به ذکر است که فلش‌ها دوجانبه هستند، یعنی پاسخ در یک ناحیه، بر پاسخ در ناحیه دیگری تأثیر می‌گذارد و برعکس.

فرایندهای تعاملی در عمل: یک مثال موردی

درحالی که بیشتر دوستان جین در لندن مانده بودند، اما او پس از تأملی دقیق تصمیم گرفت که برای ادامه تحصیل به دانشگاه پاریس برود. همچنین جین نمی‌توانست زبان فرانسه را کاملاً روان صحبت کند. تصمیم او نشان‌دهنده نقطه شروعی بر وقوع تجربیات و تغییراتی بود که چنانچه در لندن می‌ماند هرگز به آن‌ها دست نمی‌یافت. به‌علاوه، تغییرات حاصله (نگرش‌ها، رفتارها، شیوه لباس پوشیدن و زبان وی) بر نحوه پاسخ‌دهی او بر محیط و پاسخ‌دهی محیط بر او تأثیرات بسیاری داشت. مثال جین، نشان‌دهنده فرایندهای تعاملی در عمل است.

عمیقی در توانایی بعدی فرد در پاسخگویی به موقعیت‌های استرس‌بار می‌شوند؛ مثلاً افزایش سطوح انتقال‌دهنده عصبی **نوراپی‌نفرین** و **هورمون کورتیزول** در طولانی‌مدت، موجب کاهش توانایی **هیپوکامپ** (بخشی از مغز که هورمون‌های استرس را تنظیم می‌کند) در سازگاری با موقعیت‌های استرس‌بار می‌شود (برمنر، ۱۹۹۹).

عواقب شدید زندگی در پرورشگاه

اوکانر و دیگران (۲۰۰۰) بسیاری از کودکانی را که از پرورشگاه‌های رومانی خارج شده و بعدها در منازل خانواده‌ها در انگلستان به فرزندخواندگی پذیرفته شده بودند را مورد مطالعه قرار دادند. این مطالعه پیامدهای زندگی در پرورشگاه را بین افرادی که شش ماه در پرورشگاه سکونت داشتند و افرادی که تا دو سال در آنجا مانده بودند مقایسه کرد. نتایج نشان داد که گرچه همه کودکان بهبود معناداری را نشان دادند، اما در کودکانی که مدت‌زمان بیشتری (دو سال) در پرورشگاه سکونت داشتند، تخریب‌های شناختی چهار تا شش سال پس از پذیرفته شدن به فرزندخواندگی ادامه یافت.

برونفن‌برنر (۲۰۰۱) در بحثی با موضوع تأثیر عوامل محیطی و زیستی بر تحول، نتایج مطالعه یک پژوهشگر روان‌شناسی تحول در شهر نایمخن هلند (ریکسن - والراون، به نقل از برونفن‌برنر، ۲۰۰۱) را مورد بررسی قرار داد. در این مطالعه که شامل ۱۰۰ نوباوه نه‌ماهه بود، به والدین نوباوگان یک نسخه «کتاب کار برای والدین» داده شد که برای یکی از سه موقعیت زیر طراحی شده بود: گروه تحریک، گروه پاسخگویی و گروه مرکب. در گروه تحریک، به والدین توصیه شده بود که تحریک، کلید تحول مثبت است و کتاب کار این والدین شامل شماری از فعالیت‌های لازم برای هدایت و ارتقای یادگیری درگیرانه بود. والدینی که در گروه پاسخگویی قرار داشتند بسیاری از آموزه‌های روسو که در زمینه آزاد گذاشتن کودکان «شکوفایی» به دست خودشان، عدم دخالت و راهنمایی و بلکه فراهم آوردن

موقعیت‌هایی برای خود اکتشافی بود را آموختند. کتاب کار مورد استفاده گروه سوم ترکیبی از دو رویکرد قبلی بود.

نتایج نشان داد که کودکان در گروه پاسخگویی بیشترین نفع حاصله را از تکالیف کاوشگرانه و یادگیری نشان دادند، بعد از آن‌ها گروه تحریک قرار گرفت و در نهایت گروه مرکب جایگاه سوم را به خود اختصاص داد. به علاوه، مطالعات پیگیرانه طولانی‌مدت در سنین ۷، ۱۰ و ۱۲ سالگی تأثیرات دیرپای گروه پاسخگویی را نشان داد و معلمان این کودکان، آن‌ها را به‌عنوان کودکانی که «باکفایت تر و ماهرتر» از همسالان خود در دو گروه دیگر هستند ارزیابی کردند. البته این نتایج فقط در دختران مشاهده شد. نویسندگان چنین استدلال کردند که در طول دوره آزمایش (که از اواخر دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ به طول انجامید) باورهای والدین مبنی بر نیاز به پاسخگویی موجب تقویت فرزندپروری آن‌ها شد، زیرا دختران را قادر می‌ساخت تا مستقل‌تر باشند و رفتارهای کاوشگرانه بیشتری را نشان دهند. نتایج این آزمایش شاهی بر تأثیرات قدرتمندی است که در تعامل بین زیست‌شناسی و محیط رخ می‌دهد. در فصل ۲ به ماهیت مدل‌های نظری و اینکه چگونه دیدگاه‌های مختلف به افزایش درک ما از جنبه‌های مختلف تحول کودکان و نوجوانان همچون زیستی، شناختی- رفتاری، روان تحلیل‌گری، فرزندپروری و پیش‌های خانواده می‌انجامد تمرکز خواهد شد.

نقاط عطف و دوره‌های تحولی

نقاط عطف در تحول نشانگر معیارهای تغییر تحولی است. با توجه به این مفروضه که مسیر تحول قابل پیش‌بینی است و در جریان آن باید مهارت‌های خاصی کسب شود؛ بنابراین در یک سطح سنی خاص می‌توان پیشرفت یک کودک را نسبت به تحول همسالان «بهنجار» خود در حوزه‌های مختلف مانند انتظارات اجتماعی، هیجانی، شناختی و رفتاری مقایسه کرد.

دوره‌های تحولی و انتظارات برای تغییر

محققان نمودار سیر تحول بهنجار را رسم کرده و نقاط عطفی (معیارهایی) را که پیش‌بینی می‌شود بایستی در قالب یک انتظار وابسته به سن به وقوع بپیوندد مشخص کرده‌اند. با توجه به سن و سطح تحولی کودک می‌توان تحول او را با انتظارات تحولی بهنجار در حوزه‌های تحول جسمی، شناختی، رفتاری، هیجانی و اجتماعی مقایسه کرد. دامنه حقیقی سن کودک در هر مرحله تحولی ممکن است قراردادی باشد، با این حال بیشتر منابع، تحول کودک و نوجوان را به پنج مرحله تقسیم می‌کنند.

- نوباوگی (۱۲-۰ ماهگی)
- نوپایی (۳۰-۱۲ ماهگی)

- اوایل کودکی یا سن پیش‌دبستانی (۵-۲/۵ سالگی)
- اواسط کودکی یا سن دبستان (۱۱/۱۰-۶ سالگی)
- نوجوانی (۱۹-۱۱/۱۲ سالگی)

موضوع نقاط عطف تحولی در فصل ۳ (نقاط عطف اوایل کودکی و سن دبستان) و فصل ۴ (نوجوانی) با جزئیات بیشتری بررسی خواهد شد.

عوامل خطر و محافظتی

می‌دانیم عوامل متعددی وجود دارند که ممکن است کودکان و نوجوانان را در معرض خطر مواجهه با مشکلات رفتاری و آموزشی قرار دهند. این عوامل عبارت‌اند از: وزن پایین هنگام تولد، داشتن مزاج متفاوت، زندگی در محله‌های فقیرنشین، تحصیل در مدارس بی‌کیفیت، شرایط دشوار خانوادگی و تأثیرات منفی همسالان (بیتس، پتیت، داج و ریچ، ۱۹۹۸؛ برسلا، پانث و لوسیا، ۲۰۰۴). البته ما این را نیز می‌دانیم که **عوامل محافظتی** خاصی نیز وجود دارد که تأثیرات صدمات بر افراد را تعدیل می‌کنند؛ مانند هوش بالاتر از متوسط، والدین حمایتگر و کفایت اجتماعی (ویلیامز، اندرسون، مک‌گی و سیلوا، ۱۹۹۰). در مطالعه موردی اول فصل، آیا پت پسر بود یا دختر؟ اگر بگویید پت یک پسر بود، شما او را در خطر قابل توجه ابتلا به مشکلات سلامت روانی قرار داده‌اید، زیرا جنسیت مذکر یک عامل خطر است (راتر، ۱۹۸۹). باین حال این حقیقت که پت به ورزش می‌پردازد و می‌تواند در فعالیت‌هایی با همسالانش مشارکت داشته باشد، یک عامل محافظتی محسوب می‌شود (برمن و مودی، ۲۰۰۴). در طرف دیگر، اگر پت یک دختر باشد، در این صورت او در معرض خطر بالای ابتلا به اختلالات خوردن، افسردگی و انگیزه‌پردازی خودکشی قرار دارد زیرا دخترانی که احساس انزوا می‌کنند و دوستی ندارند، دو برابر بیشتر از همسالان خود در خطر خودکشی قرار دارند (برمن و مودی، ۲۰۰۴). در طول این کتاب، عوامل خطر و محافظتی به فراخور مشکلات و چالش‌های کودکان و نوجوانان مورد بحث قرار خواهند گرفت.

تعیین ماهیت و شدت مشکلات

شدت یک مشکل یا رفتار را می‌توان با تعیین فراوانی رفتار (مثلاً آیا رفتار هرروز یا هر هفته رخ می‌دهد؟)؛ طول مدت رفتار (آیا رفتار مداوم است یا به‌تازگی رخ داده است؟)؛ و اینکه آیا رفتار در موقعیت‌های مختلف به شکلی فراگیر حضور دارد یا خیر (آیا رفتار در خانه، مدرسه یا محل بازی رخ می‌دهد؟) تعیین کرد. یافتن پاسخ این پرسش‌ها به ما کمک می‌کند بدانیم که آیا مشکل مورد نظر یک واکنش سازگاری است یا یک پاسخ مزمن که ماهیت وخیم‌تر و پایدارتری دارد.

اختلالات سازگاری، پاسخ‌هایی موقتی به عامل استرس شناخته‌شده مانند جابجایی (مثل تغییر مدرسه) هستند. بیشتر افرادی که از اختلالات سازگاری رنج می‌برند در مدت زمان به نسبت کوتاهی (شش ماه) بهبود می‌یابند، زیرا این افراد در مدت یادشده، مهارت‌های لازم برای مقابله با تغییر را به دست می‌آورند. باین حال، استرس ناشی از تغییر برای برخی از افراد طاقت‌فرسا بوده و موجب آغاز کاهش پیش‌رونده و وخیم‌تر سلامت روانی می‌شود. در این کتاب، عوامل استرس‌شایع در زمینه‌های متفاوت مانند مدرسه (گذار)، خانه (تعارضات والدینی یا همشیران) یا روابط همسالان مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اگر کودکان پیش‌دستانی، دبستانی و نوجوانان نتوانند راهبردهای موفقیت‌آمیزی برای مقابله با این عوامل استرس به‌دست آورند، در معرض مشکلات جدی‌تری قرار خواهند گرفت (فصل ۶). در زمینه نوجوانان، ممکن است فشار همسالان، برخی از آنان را در آستانه خطر فزاینده جدایی از نقش‌های سنتی تر قرار دهد و به انتخاب راه‌هایی بی‌انجامد که به عضویت در گروه‌های اراذل‌و‌اوباش خیابانی منتهی شود.

مخاطبان کتاب در آغاز فصل با پت آشنا شدند؛ اما باین حال در توصیف مورد اولیه اطلاعات اندکی در مورد سن، جنسیت و شرایط خانوادگی پت ارائه شده بود. اطلاعات بیشتری را که در بخش زیر ارائه شده است در نظر بگیرید.

گام بعدی چیست؟ با توجه به شدت مشکل، به مادر پت توصیه شده است که به روانشناس آموزشگاه یا یک بالینگر خصوصی مراجعه کند تا ماهیت مشکل پت به‌دقت مشخص شده و معلوم شود که انحراف پت از بهنجاری تا چه میزان معنادار بوده است. علاوه بر مصاحبه با معلمان و والدین پت، ابزارهای ارزیابی دیگری برای جمع‌آوری اطلاعات وجود دارد؛ مانند ابزارهای روانسنجی شده هوش، یادگیری، شناخت، شخصیت، کارکرد عصب‌روان‌شناختی، مقیاس‌های رتبه‌بندی رفتار، آزمون‌های فرافکن و آزمون‌های عملکرد تحصیلی. ممکن است روان‌شناس مایل باشد رفتار پت را مشاهده کند و یک ارزیابی رفتاری کارکردی را ترتیب دهد تا مشکلات رفتاری و زمینه‌های محل وقوع آن‌ها را بشناسد.

مطالعه موردی پت: اطلاعات بیشتر

پت پسر ۱۲ ساله است که به‌صورت تک‌والدی و با مادر خود زندگی می‌کند. آن‌ها در محله فقیرنشینی سکونت دارند و مادر او برای به دست آوردن درآمد کافی، ساعت‌های طولانی کار می‌کند. پت خواهر و برادری ندارد، به‌ندرت پدر خود را ملاقات می‌کند و در دو سال اخیر با مشکلات آموزشگاهی دست‌به‌گریبان بوده است. باوجود تمام تغییرات جسمی و هیجانی که در آغاز بلوغ برای پت رخ داده است، اما او مشکلات فزاینده‌ای در تنظیم هیجانات خود دارد و اغلب بدخلقی می‌کند. افزایش میزان تکالیف آموزشگاهی موجب افزوده شدن بر مشکلات او شده است.